

## جشنواره

### «صیاد» قرار نبود مینی سریال شود

نشست فیلم «صیاد» به‌عنوان نخستین فیلم اکران شده در جشنواره چهل‌وسوم با ۳۰ دقیقه تأخیر با اجرای اکبر نبوی برپا شد. در این نشست جواد افشار (کارگردان)، محمدرضا شفیع‌ی (تهیه‌کننده)، علی سراسری (بازیگر نقش شهید صیاد شیرازی)، زرزوی (بازیگر نقش کارمند دفتر ریاست جمهوری)، محمدرضا هدایتی (بازیگر نقش یکی از فرماندهان ارتش)، ایوب نادر سلیمانی (بازیگر نقش یکی از فرماندهان ارتش)، ایوب آقاخانی (بازیگر نقش یکی از فرماندهان ارتش) و خوشایار موحیدیان (تدوینگر فیلم) حضور داشتند. در ابتدای این نشست محمدرضا شفیع‌ی در پاسخ به این پرسش که قرار است از این فیلم سینمایی یک مینی‌سریال ساخته شود، گفت: به هیچ‌عنوان قرار نیست این فیلم به یک مینی‌سریال تبدیل شود ولی امیدوارم تیمی بتواند سریالی فاخر از این چهره‌های شهید صیاد شیرازی بسازد. وی ادامه داد: البته در ابتدا قرار بود یک سریالی در تلویزیون با موضوع شهید صیاد شیرازی ساخته شود که متن فیلمنامه توسط آقای توحیدنو نوشته شد و چندین نوبت هم بازنویسی شد اما به هر ترتیب امکان ساخت فراهم نشد. به حال ساخت فیلم با مضامینی همچون شهید صیاد شیرازی کار را دوچندان سخت می‌کند. در بخش دیگری از این نشست جواد افشار در مورد به تصویر کشیدن وحدت بین ارتش و سپاه در این فیلم گفت: ساخت این فیلم برای یک موفقیت بود و وحدت ارتش و سپاه یک آگاهی‌بخشی رایج به وقایع اول انقلاب و جنگ را داشته باشیم و تأثیرگذاری افراد و خاندین را نشان دهیم. صیاد محبوب ارتش و شخصیت‌های عالی رتبه کشور بود و همچنین دانش نظامی‌اش زیاد بود و ما سعی کردیم در مورد قهرمان نظامی کشور فیلم بسازیم تا اگر یک روز بیگانگان با حتی همسایگان ما هم فیلم را دیدند با شخصیت قهرمان ما آشنا شوند. علی سراسری، بازیگر نقش شهید صیاد شیرازی نیز در بخشی از این نشست رایج به انتخاب این نقش گفت: نقش زمانی که به من پیشنهاد شد بسیار برایم شگفت‌انگیز بود. در مسیر شناخت این شهید با بسیاری از فرماندهان ارتش گفت‌وگو کردم و همه در این میان یک نکته را متذکر می‌شدند و آن این بود که می‌دانی نقش کسی را می‌خواهی بازی کنی؟ همه مشترکاً یک نکته را می‌فکندند آن هم اینکه علی صیاد شیرازی یک انسان نبود بلکه او فرشته‌ای بود که خیلی زود از میان ما رفت.

## تئاتر

### کارگردان ایتالیایی: ایران را خیلی دوست دارم



رومئو کاستلوجی، هنرمند شناخته‌شده ایتالیایی در گفت‌وگوی برخط خود با هنرمندان ایرانی از علاقه‌اش به اسطوره‌های ایران زمین سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که کاری مشترک با هنرمندان کشورمان بسازد. رومئو کاستلوجی، هنرمند اهل ایتالیا در بخش «هلل» چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر، به شکل برخط با هنرمندان حاضر در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر گفت‌وگو کرد. صادق رشیدی، استاد دانشگاه اجرای رویداد را برعهده داشت و وحید نفر بازیگر و کارگردان تئاتر، حامد شفیع‌خواه، نویسنده و کارگردان تئاتر، ابراهیم پشت‌کوهی نویسنده و کارگردان تئاتر، پویک عظیم‌پور، سیمون گرچکو هنرمند مع‌دو اهل روسیه، هرگوری بازیوف هنرمند روسی و سرن مدیوین مدرس تئاتر از کشور هند از جمله حضاران در نشست بودند. کاستلوجی از علاقه‌اش به تاریخ و فرهنگ ایران سخن گفت و عنوان کرد: من ایران را خیلی دوست دارم و می‌دانم که اسطوره‌ها و افسانه‌های قدیمی و قشنگی دارند. افسانه‌ها و اسطوره‌ها قدمتی بیشتر از ادبیات دارند و اسطوره‌ها پر از نماد هستند. هنرمندان می‌توانند نمادها را نگاه‌دارند و در زندگی هم با واقعیت روبه‌رو هستند، این واقعیت زندگی هم پر از نماد و حس است. فقط کافی است آنچه هر کدام از ما داریم حس و زندگی می‌کنیم، با ذهنیتی نسبت به آن افسانه‌ها، این دو را بتوانیم با هم ترکیب کنیم. فقط کافی است که جرعه زده شود تا بتوانیم چیزی که در زندگی، واقعیت دارد با افسانه‌ها مرتبط کنیم. ایران و بخش جغرافیایی که ایران در آن قرار دارد، پر از افسانه‌ها و اسطوره‌هاست و خیلی خوشحال می‌شوم که بتوانم همکاری درباره کوچک‌بودن انسان‌ها در برابر دکور و تصاویر روی پرده در این اثر متذکر شوم. بهترین تمرکز ما در این اثر روی دید او فروسوس بود. بقیه عناصر به آن اندازه اهمیت نداشتند. بنابراین، این قیاس کوچک و بزرگی به چشم می‌آید. در آثار دیگر من، برعکس چنین موضوعی اتفاق افتاده که شخصیت بزرگ و برجسته می‌شود و این یک رسم همیشگی در اجراهای من نیست. زیاده‌ار اینجا، خواننده و آن عشق‌آهیمتی نداشت و این کوچک کردن آدم‌ها برای این بود که آنها جایگاهی نداشتند در نظری که می‌خواستیم به تماشاگر القا کنیم.

### امیدوارم این جشنواره با نقدهایی که همه می‌کنند و ما هم در «کات» می‌رویم، حرکتی بکنند و پیش برود برای اینکه حق این مردم است که جشنواره و سینمای خوبی داشته باشیم



## گفت‌وگو

### سیدعباس صالحی

#### روزنامه‌نگار

غزورفرینی باشد، نه خود تحقیری. بگردیم به جشنواره فجر امسال که دولت چهاردهم با فیلم‌هایی که اغلب‌شان محصول دوره قبلی هستند باید برگزار کنند. اولین جشنواره دولت جدید است که من پیش‌امید بستم. با همه مشکلاتی که پیش پای پژوهشگران هست و خیلی خیلی کار سختی دارد ولی من امیدوارم این هم که فیلم‌ها بیشترشان محصول مدیریت سابق سینما هستند برای خودم صبر ایوب آرزو می‌کنم که باید اینها را ببینیم و با سیستم روی فیلمنامه.

امسال جلیلی با فیلم «داد» به جشنواره آمده. صدر عاملی فیلمی برای کانون پرورش فکری ساخته و ابراهیم حاتم‌گیا هم «موسیقی کلیم‌الله (ع)» را دارد. اینها مشهورترین و با تجربه‌ترین می‌باشند. اما احتمالاً بیشتر از همه دوره‌ها کم‌دردی داریم، متناثر از شرایط و مناسبات تولید در سینمایی ایران که به تولید انبوه کم‌دردی زور آورده. یکی از این کم‌دردی‌ها «آنتیک» ساخته‌های ناتجیحی است.

هادی ناتجیحی را می‌شناسم. بچه خوبی است و یک دوره‌ای شاگردم بود ولی اصلاً آدم کم‌دردی نیست.

در جشنواره امسال شاهد نمایش چند فیلم جنگی هم خواهیم بود. از «خدای جنگ» و «صیاد» تا «اسفند» و «اشک هور» و جالب است که «اسفند» دانش اقباشساوری و «اشک هور» مهدی جعفری هر دو درباره شهید علی هاشمی هستند. امیدوارم مهدی جعفری خراب نکرده باشد چون «۳۳ نفر» اراد در فیلم خوبی است. من این سینما را به‌خاطر موضوع دوست دارم. به‌خاطر جنگ، جنگی که تا بد باید ازش دفاع کرد. برای اینکه دفاع است، حمله را بفرورشد برای اینکه جایزه بگیرند. مدیران فستیوال‌ها هم بیرو بحث‌هایی که قبلاً درباره سینمای جشنواره‌ای کردیم، نگاه می‌کنند که فیلم هر چه سیاه‌تر، هر چه بی‌وطن‌تر، هر چه بی‌خواه‌تر بیشتر توی بوش می‌کنند و جایزه می‌دهند. در حالی که سینما باید دنبال

طبیعی است در جشنواره‌ای که چهل و سومین دوره‌اش برگزار می‌شود این تعداد فیلمساز جوان و فیلم‌اولی حاضر باشند؟

غیرعادی است و نشان‌دهنده وضعیت بحرانی این سینما تا وقتی صنعتی نشود هنوز سینما نشده. و بعد سینمای ملی به‌نظر من عروسی درش هست. ویژگی‌های فرعی ملی درش هست. یعنی باید فرم ملی را بشناسیم. نقاشی ملی را بشناسیم. خیلی چیزها را باید بشناسیم. باید احمد محمود عزیز را بشناسیم. غیر از این هیچ چیزی در نمی‌آید. امیدوارم که بحث‌های «کات» برود سمت اینکه در جستجوی سینمایی ملی باشیم و این البته کار یک برنامه به‌تنهایی نیست و باید یک تیم متشکل بشینند و روی المان‌های هنر ملی ایران کار کنند. از نقاشی تا شعر و ادبیات. دوباره ببینند و کار کنند.

### جشنواره فیلم فجر مجال بازتعریف پایگاه اجتماعی سینماست

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به چهل و سومین جشنواره فیلم فجر: همچنان که میدان مبارک بروز و ظهور توانمندی‌های سینمای ایران است، مجال بازتعریف پایگاه اجتماعی سینما با تکیه بر مخاطبان فهیم و نسبت‌آفرینی میان سینماگران و سیاستگذاران سینمایی است.



**به امید بازگشت چهره‌های شاخص به جشنواره**  
منوچهر شاهسواری، دبیر چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در آیین افتتاحیه جشنواره: وارد روزگار تغییر شده‌ایم. دوستی من به‌گفت چهره‌های شاخص سینمای ایران کجا هستند. ما امیدواریم روزی برسد که چهره‌های شاخص فرصت داشته باشند که حضور پیدا کنند.

## کوته‌تر از گزارش

### اشک‌ها و لبخندها

سکانس افتتاحیه فجر چهل و سوم



مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم فجر عصر پنجشنبه، یازدهم بهمن‌ماه با حضور جمعی از هنرمندان و مدیران برپا شد. سیدعباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، راندر فریدزاده (رئیس سازمان سینمایی)، مهدی شفیع‌ی (معاون سازمان سینمایی)، علیرضا تابش، حبیب‌ایل بیگی، سیدضیاء هاشمی، مرزیه برومند، فریدون جیرانی، جواد طوسی و محمدرضا شرفی‌نیا از جمله حاضران در مراسم بودند. تجلیل از سهریوس الوند و رضا بابک از بخش‌های جالب توجه افتتاحیه امسال بود و در مراسم تقدیر از منوچهر والی‌زاده، این صداپیشه پیشکسوت به‌دلیل مشکلات جسمی حضور نداشت. فرزاد حسینی در ابتدای مراسم به پوستر جشنواره فیلم «هاد» اشاره کرد و از نقش مادرانگی این فیلم گفت و بعد با بیان اینکه به فریدون جیرانی (که در جمع حاضر بود) درس تاریخ‌سیس می‌دهد، یادآوری کرد که این فیلم در دوران حضور خود در جشنواره هیچ جایزه‌ای برای خود علی‌حتمی نداشت.

### تجلیل از سهریوس الوند در شب تولد ۷۴ سالگی

نخستین بخش از مراسم بزرگداشت‌های جشنواره فیلم فجر ۴۳ به تجلیل از سهریوس الوند، کارگردان پیشکسوت سینمای ایران در شب تولد ۷۴ سالگی‌اش اختصاص داشت. بعد از بخش کلیبی که سهریوس الوند در آن خاطراتی از دوران کاری‌اش را بیان می‌کرد، فریدون جیرانی، جواد طوسی و ماهر الوند برای قدردانی از الوند، ک شیی که مصداق با سالروز تولد او بود روی صحنه آمدند.

جیرانی در ابتدا گفت: «من و سهریوس الوند هم‌نسل هستیم و تنها یک‌سال اختلاف سنی داریم. او خیلی زود نوشتن را آغاز کرد. یادم هست در مجله «فردوسی» به سهریوس عباس پهلوان از ایشان تقدی خواندم که درباره فیلم «جوانان زیر آفتاب» بود. بعد از آن هم با تقی مختار در نشریه «ماه نو» کار کرد و گفت‌وگوهای بی‌ظنطری انجام داد که از میان آنها می‌توان به مصاحبه‌اش با پرویز دواپی اشاره کرد.» جیرانی بیان کرد: «سهریوس الوند جزو نسل درام فیلم‌سازهایی بود که پلی میان سینمای روشنفکری و تجاری برقرار ساختند. او در جریان فیلم‌سازی خود به مدیریت فرهنگی وقت هم کمک کرد و با فیلم‌هایی که ساخت در دل بحران سینمای ایران، به‌عنوان کارگردانی پیشرو عمل کرد. او در دل تحول فرهنگی که در دهه ۶۰ رخ داد فعالیت کرد و اوایل دهه ۷۰ فیلم‌ها می‌همی ساخت. الوند ۴ دهه فیلم‌سازی کرد اما متأسفانه در دهه ۹۰ موفق به ساخت فیلم نشد.» سپس جواد طوسی گفت: «می‌خواهم به شهر و محله اعتبار بدهم و بگویم وقتی اسم «مامزاده یحیی» می‌آید، نسل ما به یاد مدرسه‌ای می‌افتد که عیسی الوند، پدر سهریوس الوند در آن مشغول به کار بود. عیسی الوند در آن مدرسه فرهنگساز می‌کرد و باعث ایجاد تعلق‌خاطری در هم‌نسلان من به‌ری و آن محله شد. حتی فیلم «گوزن‌ها» که نقطه استناد تاریخ به‌حساب می‌آید نیز از آن مدرسه‌ای عیسی الوند بهره گرفته است. سهریوس الوند در چنین خانواده‌ای رشد کرد.» او ادامه داد: «سهریوس الوند کارش را در سینما با نقدنویسی و دنیای مطبوعات آغاز کرد. نقدی که او بر فیلم «قیصر» نوشته است بی‌ظنطری است و هنوز هم می‌شود به آن اتکا کرد. فیلم‌های سهریوس الوند کانون گروه و خانواده را هدف می‌گیرد و با مخاطب همدل می‌شود. دوست دارم در پایان بگویم که فیلم‌سازی مثل سهریوس الوند نباید در انزوا قرار بگیرد و مدیران باید برای این افراد مسیر بهتری تعریف کنند.» در ادامه ماهر الوند، بازیگر گفت: «افتخار می‌کنم که دختر سهریوس الوند هستیم.» در ادامه برنامه منوچهر شاهسواری نیز روی صحنه آمد و به‌صورت ویژه از همسر سهریوس الوند تشکر کرد و گفت: «باید از همسر سهریوس الوند تشکر کرد که در تمام این سال‌ها هم‌راه مسیر او بوده است.» درنهایت بعد از دریافت لوح تقدیر، سهریوس الوند گفت: «ما در انباری خود صندوقچه‌ای داریم که به یادگار از مادرم برایمان مانده است. داخل صندوق، قلم‌ها و اسناد یادگاری‌های بسیاری هست. چند وقت پیش لایه‌های محتویات صندوقچه می‌گشتم که قرار دادی دیدم از فیلمی که من فیلمنامه‌اش را نوشته بودم. آن فیلم ساخته و اکران شد و من هم به موقع دستم‌زدم را دریافت کردم. این تجربه حرفه‌ای در سن ۱۷ سالگی من رقم خورد و برایم انگیزه‌بخش بود.» حالا باید بگویم، از اینکه مراسم بزرگداشت نیز زمانی بر گزار می‌شود که هنوز زنده‌ام، بسیار خوشحال هستم.»

### تجلیل از رضا بابک که خاطراتی تصویری برای نسل‌های مختلف ساخت

مرزیه برومند با بیان اینکه صحبت کردن از رضا بابک و آثارش کار بسیار سختی است، گفت: او دوست عزیز من است و از دوران کودکی با هم بزرگ شده‌ایم. ما از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هم نمایش را شروع کردیم و سال‌های قبل از انقلاب من بیشتر برای او بازی کردم و پس از انقلاب نوبت به او رسید که برای من بازی کند. سال‌هاست با هم کار می‌کنیم. باید بگویم رضا بابک به گردن تمام کارهای کودک در تئاتر، سینما و تلویزیون حق دارد و اگر او نبود این همه پیشرفت برای کارهای کودک رقم نمی‌خورد. رضا بابک نیز گفت: ما در تمام این سال‌ها با هم بسیار دعوا کردیم چرا که سر کفایت و کار بود. خیلی از شعرهای من را مرزیه برومند درست کرد چر که استعداد فراوانی دارد و بسیار از او تشکر می‌کنم. با تمام اختلافاتی که با هم داریم آمدی و منت بر سر من گذاشتی. محمدرضا شرفی‌نیا نیز گفت: همیشه به داوران توصیه کرده بودم و دوست داشتم این اتفاق برای بازیگرانی که نقش‌های کوتاه در سینما بازی می‌کنند بیفتد. امشب چراغ اول را روشن می‌کنم. او در فیلم «به رنگ آغوان» بسیار کوتاه حضور داشت، اما باید جایزه‌ای در حد اسکار می‌گرفت.

**این اولین جشنواره دولت جدید است که من بهش امید بستم. با همه مشکلاتی که پیش پای پژوهشگران هست و خیلی خیلی کار سختی دارد ولی من امیدوارم این هم که فیلم‌ها بیشترشان محصول مدیریت سابق سینما هستند برای خودم صبر ایوب آرزو می‌کنم**

**هیچ چیزی مهم نیست. فقط فروش مهم است. به هر قیمتی. ما ایرانی هستیم. یک چیزهایی برایمان حرمت دارد. پدر، مادر، وطن. همه چیز خوب داریم، اما فیلمسازی را که تکنیک بلد باشم خیلی کم داریم. یعنی هنوز غلط‌های تکنیکی می‌بینیم. گفتم حالا این را می‌شود خیلی سریع آزش عبور کنیم. ببایم با سیستم روی فیلمنامه‌بنابراین مهدی بذاتی خرم را پیشنهاد کردم.**

**به‌دلیل داستان نویس بودن؟**  
هم این و هم اینکه می‌شناختمش. ما هم روی فیلمنامه‌های کار می‌کردیم که ختم‌ش.

**چه فیلمنامه‌ای بود؟**  
«مین سوخته» احمد محمود که تهیه‌کننده و کارگردان باشد. تجلیل از سهریوس الوند و رضا بابک از بخش‌های جالب توجه افتتاحیه امسال بود و در مراسم تقدیر از منوچهر والی‌زاده، این صداپیشه پیشکسوت به‌دلیل مشکلات جسمی حضور نداشت. فرزاد حسینی در ابتدای مراسم به پوستر جشنواره فیلم «هاد» اشاره کرد و از نقش مادرانگی این فیلم گفت و بعد با بیان اینکه به فریدون جیرانی (که در جمع حاضر بود) درس تاریخ‌سیس می‌دهد، یادآوری کرد که این فیلم در دوران حضور خود در جشنواره هیچ جایزه‌ای برای خود علی‌حتمی نداشت.

**اگر در دست یادم مانده باشد دو سه سال پیش گفتید که دیگر با جشنواره کاری ندارم و دیگر از آن دست شسته‌ام.**  
گفتم از تلویزیون دست شسته‌ام. ۳ سال پیش گفتم دیگر تلویزیون نمی‌روم. بعد هم آن یوتیوب شد رسانه من. بعد هم سینمای ایران در این ۳ سال آن قدر رو به اضمحلال رفت که سابقه نداشت.

**چقدر سینمای ایران را در این سال‌ها دنبال کردید؟**  
در حدی که برایم می‌آوردند و می‌دیدم و خوب فاجعه بودند. سینمای ایران تبدیل شد به «قیف». تبدیل شد به این اشغال‌هایی که به اسم کم‌دردی پرده است و رکورد

فروش می‌زنند. دائم هم به این رکورد می‌نازد. در رکورد فروش شکسته شد ولی سینما از بین رفت. آدم‌ها خانه نشین شدند و حتی موقعیت فردی‌شان از بین رفت. این سینمای ایران را به کما برد و دیگر چیزی از سینمای ایران نمانده.

**برای مدیریت سابق سینما، مهم‌ترین نکته برگرداندن تماشاگر به سینما بود. چون به‌نظر می‌رسید به سادگی**

نی می‌شود تماشاگری را که در ایام کرونا از سینما گریزان شده به سالن‌ها برگرداند. سیاست‌شان این بود که با کم‌دردی تماشاگر را به سینما برگردانند. در مورد چند فیلم هم موفق شدند ولی وقتی جدول گیشه رئیس می‌آید جشنواره نقد کنید؟ گفتم کجا؟ گفت همشهری. گفتم ممیزی که نداریم؟ گفت نه. گفتم می‌آید. بعد فکر کردم که برنامه باید با «هفت» خیلی فرق کند. «هفت» دیگر تمام شد. دوره‌اش را گذرانند. کارش را هم کرد، اگر کاری کرده باشد، ولی دیگر تمام‌نشده و بعد به دنبال معمار گفتم مشکل سینمای ایران چیست؟ گفت اساساً فیلمنامه‌گفتم بارک‌الله. چه آدمی مثل تو که دست‌اندرکار و سردبیر روزنامه است و چه من می‌دانم که گیر اصلی مان فیلمنامه است. غیر از اینکه من فکر می‌کنم دوستان عزیز، اگر فیلمنامه خوبی هم دستشان برسد در ساخت مشکل دارند. یعنی نه‌تنها هنوز فرم نداریم که در تکنیک هم می‌لنگیم. فیلمبردار خوب داریم. فیلمبردار خوب داریم، اما فیلمسازی را که تکنیک بلد باشم خیلی کم داریم. یعنی هنوز غلط‌های تکنیکی می‌بینیم. گفتم حالا این را می‌شود خیلی سریع آزش عبور کنیم. ببایم با سیستم روی فیلمنامه‌بنابراین مهدی بذاتی خرم را پیشنهاد کردم.

**این یک مدل فیلمسازی است که شما هر چیزی را کسه فکر می‌کنی مسئله جامعه است گردآوری می‌کنی و می‌خواهی براساس موضوع روز که حتما هم باید ملتهب باشد، به موقعیت داستانی می‌کنی. سینمای ایران یک بوق‌فیش کم‌دردی عامه پسند است و طرف دیگرش فیلم زیرزمینی. هست اینها محصول شرایط غیرطبیعی است.**

پس همه تابوها را می‌شکنیم. همه تابو‌هایی که واقعا مسئله خانواده است. مسئله کشور و ملت است. نه کشور مهم است و نه خانواده.

هیچ چیزی مهم نیست فقط فروش مهم است. به هر قیمتی. تیزر یکی از آنها را دیدم که سوپر استار یکی از این کم‌دردی‌ها حرف زننده‌ای درباره مادر، رفیقش می‌زند؛ من در تمام عمرم چنین چیزی نشنیده بودم. باورم نمی‌شد. ما ایرانی هستیم. یک چیزهایی برایمان حرمت دارد. پدر، مادر، وطن. همه چیز را از بین می‌برند. عین خیالشان هم نیست. انگار اصلاً مسایقه است. مسایقه‌ای که هر کس فیلمش مبتذل‌تر باشد برنده است. آن روزی‌ها هم که حاضرند هر چیزی از مملکت و خانواده را بفرورشد برای اینکه جایزه بگیرند. مدیران فستیوال‌ها هم بیرو بحث‌هایی که قبلاً درباره سینمای جشنواره‌ای کردیم، نگاه می‌کنند که فیلم هر چه سیاه‌تر، هر چه بی‌وطن‌تر، هر چه بی‌خواه‌تر بیشتر توی بوش می‌کنند و جایزه می‌دهند. در حالی که سینما باید دنبال

**کاملاً موافقم که جوان‌ها بیایند اما باید کنارشان آدم‌های قدیمی هم کار کنند. مثلاً همایون اسعدیان**

**کند. من از «طلا و مس» ش به‌شدت دفاع کردم. الان چه کار می‌کنند؟ تهیه‌کننده سریال شده و دیگر فیلم نمی‌سازد. خیلی‌ها خانه‌نشین شده‌اند**

### مکث

### در جست‌وجوی سینمای ملی

ما سینمایی ملی نداریم. برای رسیدن به سینمای ملی ابتدا باید سینما صاحب صنعت بشود. این سینما تا وقتی صنعتی نشود هنوز سینما نشده. و بعد سینمای ملی به‌نظر من عروسی درش هست. ویژگی‌های فرعی ملی درش هست. یعنی باید فرم ملی را بشناسیم. نقاشی ملی را بشناسیم. خیلی چیزها را باید بشناسیم. باید احمد محمود عزیز را بشناسیم. غیر از این هیچ چیزی در نمی‌آید. امیدوارم که بحث‌های «کات» برود سمت اینکه در جستجوی سینمایی ملی باشیم و این البته کار یک برنامه به‌تنهایی نیست و باید یک تیم متشکل بشینند و روی المان‌های هنر ملی ایران کار کنند. از نقاشی تا شعر و ادبیات.

